

رابطه‌ای ناگزیر میان متن و تصویر

سحر ترهنده

کتاب تصویری، کلی واحد است مشتمل بر متن و تصویر؛ ترکیبی از تصاویر که در پیوند با یکدیگر، داستانی را روایت یا مفهومی را بیان می‌کنند. در کتاب‌های تصویری که متن نوشتاری وجود دارد، دو زبان به کار گرفته می‌شود: زبان نوشتاری و زبان بصری. این دو زبان، با استفاده از کدها و نظام‌های نشانه‌ای مختلف و به یاری یکدیگر، داستان را روایت می‌کنند. این دو زبان همانند حلقه‌های زنجیر در هم فرورفته‌اند تا داستانی را بازگو یا مفهومی را بیان کنند. در کتاب‌های تصویری، تصاویر به اندازه متن یا حتی بیش از آن اهمیت دارد. برخی کتاب‌های تصویری، بدون داشتن هیچ متنی، گیرا و اثر بخش‌اند. کودکان به داستان‌هایی که به شکل بصری ارائه می‌شود، به همان میزان که به داستان‌های شفاهی، واکنش نشان می‌دهند و حساس‌اند. در بسیاری از کتاب‌های تصویری، میان متن و تصویر توازن برقرار است که هر یک بدون دیگری ناقص خواهد بود. از آن‌جا که متن و تصویر در کتاب‌های تصویری مکمل یکدیگرند، در ارزیابی کتاب‌های تصویری باید رابطه میان واژگان و تصویرها بررسی شود.

طیف گسترده‌ای از کتاب‌های مصور و تصویری در جهان وجود دارد. در یک سر این طیف، کتاب‌هایی قرار دارد که تنها تصویر موجود در آن‌ها، تصویر روی جلد است و داستان به تمامی با کلام بیان شده است و در سر دیگر این طیف، کتاب‌هایی می‌گنجد که تنها کلام به کار برده شده در آن، عنوان کتاب است و همه داستان با تصویر یا زبان بصری بیان شده است. بنابراین، شناخت زبان بصری‌ای که در کتاب‌های کودکان به کار رفته، گونه‌های ارتباط متن و تصویر با یکدیگر، واکنش کودکان به زبان بصری تصاویر و نقش کتاب‌های تصویری در زندگی کودکان، از جمله موضوع‌های مهمی است که تمامی پدید آورندگان کتاب کودک باید به آن‌ها حساس باشند و تمام سعی خود را در درک رابطه سه جانبه ادبیات - تصویر - مخاطب به کار برند.

کتاب‌های تصویری خود طیف گسترده و گونه‌های بسیاری دارند؛ از جمله می‌توان به کتاب‌های تصویری داستانی، اسباب بازی‌ها، الفبا آموزها، عددآموزها، کتاب‌های مفهومی^۵ و کتاب‌های تصویری بدون کلام^۶ اشاره کرد. این کتاب‌ها با مجموعه‌ای از تصاویر و شگردهای آموزشی خلاق و جذاب، باعث برانگیخته شدن سواد بصری و کلامی در کودکان می‌شوند. رابطه متن و تصویر در کتاب‌های کودکان، میزان و دسته‌بندی‌های متفاوتی دارد و بسیاری از پژوهشگران ادبیات و تصویرگری کتاب کودک، در مورد شکل و نحوه ایجاد این رابطه نظریه‌هایی ارائه داده‌اند. به دلیل دوری از اطاله کلام، از میان تقسیم بندی‌های گوناگونی که درباره رابطه متن و تصویر از سوی کارشناسان ادبیات و تصویرگری کتاب کودک صورت گرفته است، تنها به بیان تقسیم بندی پنج‌گانه جوان گلدن^۶ (۱۹۹۰) می‌پردازیم:

○ در برخی کتاب‌ها تصاویر و متن هر دو باعث تقویت معنا و مفهومی واحد می‌شوند. در این کتاب‌ها تصویر و متن به صورت متقارن (Symmetrical) در کنار هم قرار دارند. به همین دلیل، این احتمال وجود دارد که بینندگان بتوانند با دیدن تصاویر، داستان را دریابند و آن را دنبال کنند. به دیگر سخن در این کتاب‌ها تصاویر در تقارن با متن پیش می‌روند و داستان را به‌صورتی آینه‌وار و به دور از توصیفات زائد بیان می‌کنند و این امکان را به بیننده می‌دهند تا با دنبال کردن تصاویر و حتی بدون خواندن داستان، موضوع اصلی متن را دریابد.

○ نوع دوم، کتاب‌هایی است که در آن متن و تصویر برای روشن سازی (Clarification) و وضوح بخشی به یکدیگر وابسته‌اند و بیننده نمی‌تواند معنای یکی را بدون دیدن یا خواندن دیگری دریابد. برای درک داستان، متن و تصاویر هر دو مورد نیازند. به دیگر سخن، بخشی از متن در تصاویر توضیح داده شده که بدون دیدن آن‌ها مفهوم داستان ناقص یا درک آن برای مخاطب مشکل خواهد بود. هم‌چنین، برخی مفاهیم تصویری نیز در داستان روشن شده است و بیننده اگر داستان را نخواند مضمون آن را درک نخواهد کرد.

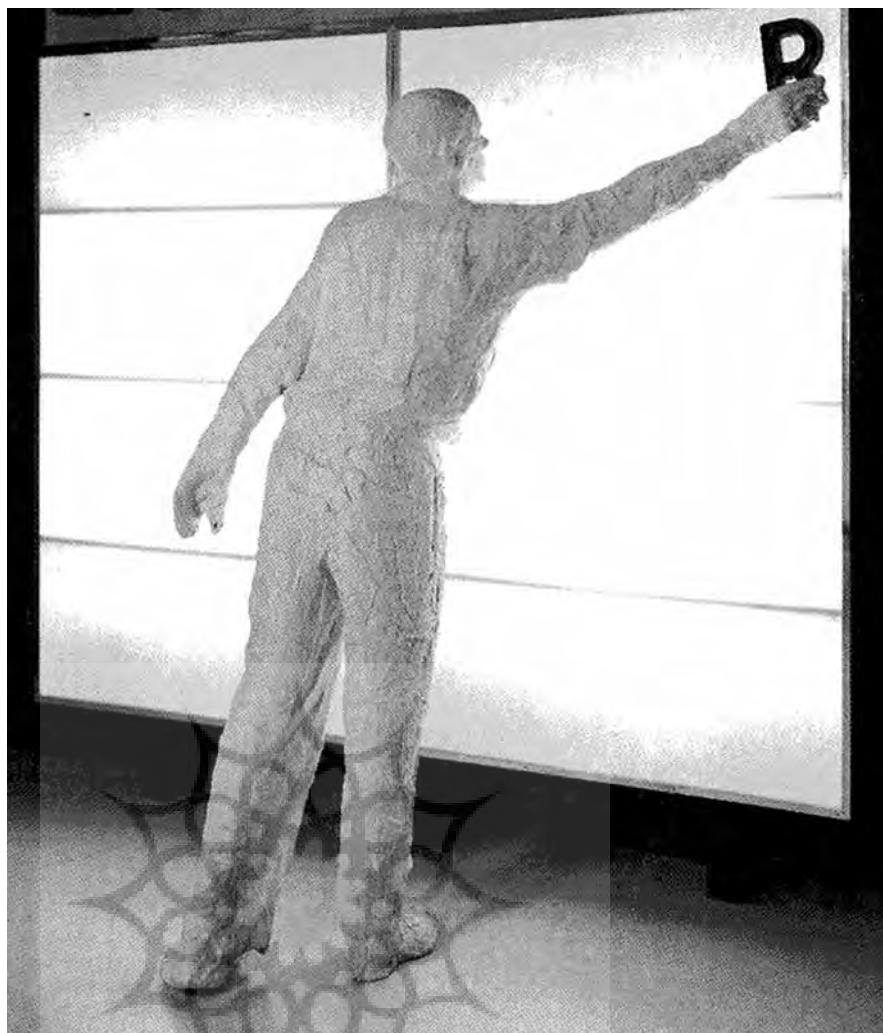
○ سومین نوع رابطه بین متن و تصویر، جایی است که در آن متن به جزئیات می‌پردازد و تصویر وظیفه روشن‌سازی را به عهده دارد. در این گونه از کتاب‌ها، اطلاعات لازم برای پیشبرد داستان در متن و تصویر گنجانده شده است و تصاویر غالباً با پرداختن به جزئیات اساسی داستان، به صورت مختصر و مفید، باعث غنی‌تر شدن داستان می‌شوند و درک ادبیات را برای مخاطبان سهل‌تر می‌سازند.

○ چهارمین نوع رابطه بین متن و تصویر، رابطه‌ای است که در آن متن روایت اصلی و انتقال بیشتر مفاهیم را به عهده دارد و تصاویر تنها بخش‌هایی از متن را انتخاب و به نمایش می‌گذارند. در این نوع رابطه، متن برای انتقال مفاهیم خود به تصویر وابسته نیست و دیدن تصاویر، تأثیر کمی بر درک مخاطب از داستان دارد.

○ رابطه پنجمی که گلدن ارائه می‌دهد، نقطه مقابل رابطه چهارم است. در این نوع رابطه، تصاویر روایتگر اصلی داستان و مفاهیم موجود در آن و متن تنها بیان‌گر بخش‌هایی از تصویر یا مفاهیمی است که در تصاویر نشان داده می‌شود. در این گونه کتاب‌ها، مخاطب تنها با دیدن تصاویر می‌تواند به مضمون داستان پی ببرد و آن را کاملاً درک کند. متن فقط تأکیدی است بر مضامین موجود در تصاویر.

با بیان این تقسیم‌بندی، شاید این سؤال در ذهن مخاطب غیر آشنا به امر تصویرگری پدید آید که اصولاً چرا باید رابطه‌ای میان متن و تصویر وجود داشته باشد؟ مگر تصویرگر هنرمندی با ذهنیات، علائق و دنیای مستقل نیست؟ پس چرا باید از داستانی تبعیت کند یا سعی در به تصویر کشیدن عناصر موجود در آن داشته باشد؟ در پاسخ به این سؤال، باید گفت که تصویرسازی یک تفاوت بنیادین با نقاشی دارد و این امری است که روز به روز بیشتر توسط تصویرگران و ناشران به دست فراموشی سپرده می‌شود. تصویرسازی بین متن و مخاطب قرار دارد. در کشیدن یک تابلوی نقاشی، هنرمند آزاد است آنچه را می‌خواهد و مطابق دید و سلیقه‌اش درست به نظر می‌آید، بکشد. درحالی که وقتی صحبت از تصویرسازی به میان می‌آید، آزادی‌ها محدود می‌شود و شناخت این حدود برای تصویرگران امری ضروری است. در تصویرسازی آزادی هنرمند تا جایی است که تصویری خلق می‌کند که برای مخاطب قابل درک باشند. تصویرگر در انتخاب تکنیک آزاد است، ولی در میزان دفرماسیون آزاد نیست. حدود دفرماسیون‌ها و انتزاع‌ها، بستگی به داستان و مخاطب دارد.

مهم‌تر آن که در تصویرگری، هنرمند موظف است با خصوصیات رشدی، روحی و روانی مخاطبان خود آشنایی کامل داشته و به فراخور این نیازها و توانایی‌ها اثری را پدید آورد. همانطور که ذکر شد مسئله گروه سنی مخاطب و ویژگی‌های رشدی و شناختی او، امری بسیار مهم و بی‌توجهی به آن زیان بار است. این امر نیز در سال‌های اخیر به شکلی چشم‌گیر از سوی ناشران و تصویرگران نادیده گرفته شده است. در حالی که داشتن کتاب خوب و دیدن تصاویر زیبا و تخیل برانگیز، از



حقوق ابتدایی کودک است. در ماده سه پیمان نامه حقوق کودک آمده است: «در کلیه اقدامات مربوط به کودکان، بالاترین منافع آن‌ها باید در نظر گرفته شود.»

طبق تحقیقات انجام شده، رشد کودک در مراحل مختلف در چهار جهت زبانی، شناختی، شخصیتی و اجتماعی صورت می‌گیرد. اگرچه اکثر کودکان این مراحل را طی می‌کنند، سرعت این رشد و تکامل در آن‌ها یکسان نیست. رشد، تغییراتی است که در طول زندگی افراد ایجاد می‌شود. این تغییرات ویژگی‌هایی دارد که برخی از آن‌ها به این شرح است: پیوستگی و تدریجی بودن رشد، تأثیرات ارثی و محیطی بر روند رشد، الگوی کلی و قابل پیش بینی رشد، جامعیت رشد و نقش دشواری‌ها و عوامل بیرونی بر روند رشد. هر گروه سنی خاص، ویژگی‌های رشدی خاصی دارد و شناخت این ویژگی‌های رشدی در گروه‌های سنی مختلف، می‌تواند به تولیدکنندگان کتاب کودک اعم از نویسندگان، تصویرگر و ناشر امکان خلق کتاب‌های مناسب را برای هر گروه بدهد. به دیگر سخن نویسندگان، تصویرگران و منتقدان و هر کس که فعالیتی در زمینه کودکان انجام می‌دهد، نیازمند آن است که موضوع کار خود، یعنی کودک را بشناسد، از ویژگی‌های او آگاه باشد، نیازهای اساسی او را بداند تا بتواند بین کودک و فعالیت خود، ارتباط لازم را برقرار کند. کتاب‌هایی که با توجه به این ویژگی‌ها تهیه شوند (ادبیات کودک محور) به پیشرفت کودکان از یک مرحله رشد به مرحله دیگر یاری می‌رسانند. اریک کارل، درباره درک شهودی‌اش از دنیای کودکی می‌گوید: «من در مورد کارم بسیار جدی هستم و می‌دانم بزرگ شدن برای بسیاری از کودکان فرایند آسانی نیست. کمک برای آسان سازی این فرایند، بسیار ضروری است. به خوبی دوران کودکی و احساساتم را در آن زمان به یاد می‌آورم.»

حال و با در نظر داشتن نکات فوق، به نقد و بررسی مختصر چهار کتاب، با نویسندگان و تصویرگرانی متفاوت و نشری واحد می‌پردازیم. در بررسی این آثار، سعی شده بر ویژگی‌های متفاوت ارتباط میان ادبیات داستانی و تصاویر تأکید شود. همچنین، نحوه ارتباط تصاویر با گروه سنی مخاطب مورد نقد قرار خواهد گرفت.

عنوان کتاب: دو دوست
نویسنده و تصویرگر: هدا حدادی
ناشر: شبابیز
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۲۰ صفحه
بها: ۱۴۰۰ تومان



«ما همدیگر را در یک صبح، در جنگلی که بوی باران و گیاه می‌داد، پیدا کردیم» و این‌گونه است که گردش دو دوست در جنگل آغاز می‌شود. «سه کنه و یک مورچه بالدار دیدیم که سر یک دانه با هم می‌جنگیدند. درختانی را دیدیم که همدیگر را بغل کرده بودند و ...» گردش ادامه می‌یابد و دو دوست چیزهای جالب دیگری هم در جنگل می‌بینند. «ناگهان جنگل، دریایی از ماهی‌ها شد... پرنده‌هایی دیدیم که هیچ کدام شبیه هم نبودند» و کم‌کم گردش یک روزه دو دوست، با تاریک شدن هوا در جنگل پایان می‌یابد.

این اثر، نمونه موفقی از یک کتاب تصویری است و نویسنده/ تصویرگر آن (هدی حدادی)، ارتباط مناسبی میان متن و تصاویر برقرار کرده است. تعاریف گوناگون کتاب‌های تصویری را در نوشته‌های پیشین به دفعات ذکر کرده‌ام، اما تکرار آن را به دلیل اهمیت فراوان این گونه از کتاب‌ها و تفاوت‌شان با کتاب‌های مصور (Illustrated Books) را خالی از اشکال می‌دانم. بنا به گفته پری نودلمن (۱۹۸۸) «کتاب‌های تصویری (Picture Books) کتاب‌هایی هستند که برای کودکان در سن کم تهیه می‌شوند. این کتاب‌ها از راه مجموعه زیادی از تصاویر، همراه با متنی کمابیش اندک (و یا اصولاً بدون متن) اطلاعاتی را منتقل یا داستانی را بازگو می‌کنند.» در این کتاب‌ها هر قدر که تصویرگر در انتخاب فرم‌ها، رنگ‌ها و اندازه‌های مورد استفاده خود بیشتر دقت و آگاهی داشته باشد، خواننده به همان میزان داستان را ساده‌تر و دقیق‌تر درک خواهد کرد. استفاده دقیق و درست از این عناصر بصری، می‌تواند باعث شود که خواننده از سطح ابتدایی کلمات عبور کند و وارد لایه‌های زیرین و عمیق‌تر یک متن گردد.

متن کتاب، خط روایی بسیار ساده‌ای را دنبال می‌کند و تنها به توصیف گردش دو دوست در جنگل و عناصر و موجوداتی که دیده‌اند، می‌پردازد. متن در عین سادگی، شاعرانه و زیباست. تصاویر نیز از شاعرانگی و لطافت متن پیروی کرده‌اند. تصویرگر تکنیک کلاژ را برای خلق تصاویرش برگزیده است. انتخاب تکنیک کلاژ با عناصر موجود در طبیعت، برای خلق تصاویری درباره گشت و گذار در جنگل و دیدن حیوانات و حشرات موجود در آن، انتخابی به‌جا و خلاقانه است. حدادی چندی است از تکنیک کلاژ، برای خلق تصاویرش استفاده می‌کند. در این اثر، تکنیک او به تکامل رسیده و به خوبی به





اجرا در آمده است. در برخی آثار حدادی، به دلیل انسان محور بودن داستان، شاهد اشکالاتی در به تصویر کشیدن فیگورها و اندام انسانی (به ویژه فرم دست و پاها) بوده ایم، اما در تصاویر این اثر، شخصیت‌های انسانی عناصری حاشیه‌ای هستند و تأکید تصویرگر بیشتر بر عناصر طبیعی است و نقص آثار گذشته، در این کار دیده نمی‌شود. تنها مشکل شخصیت‌های انسانی در این کتاب، تغییر اندازه دو دوست نسبت به هم، در صفحات متفاوت کتاب است. در صفحه‌ای یکی از شخصیت‌ها از دیگری بزرگ‌تر است، اما در صفحه بعد اندازه‌ها تغییر کرده و دیگری بزرگ‌تر نشان داده شده است. با این حال استفاده خلاقانه و متفاوت تصویرگر از برگ‌ها و دانه‌های طبیعی، برای به تصویر کشیدن ماهی‌ها، حشرات و گیاهان حرکتی زیبا و هنرمندانه است. تصویرگر به دلیل آن که خود نویسنده کتاب است، در ایجاد ترکیب‌های خلاق و توازن میان متن و تصویر، دستی باز داشته و اثری شاعرانه و از نظر بصری جذاب خلق کرده است. از نکات مهم قابل ذکر در مورد تصاویر کتاب، این است که در آن متن و تصویر برای روشن سازی و وضوح بخشی به یکدیگر وابسته‌اند و بیننده نمی‌تواند معنای یکی را بدون دیدن یا خواندن دیگری دریابد. به دیگر سخن، بخشی از متن در تصاویر توضیح داده شده که بدون دیدن آن‌ها، مفهوم نوشتار یا درک آن برای مخاطب مشکل خواهد بود. هم‌چنین، برخی حشرات و حیوانات در متن معرفی شده است که بیننده اگر متن را نخواند، نمی‌تواند به سادگی عنصر مورد نظر تصویرگر را در آن شناسایی کند.

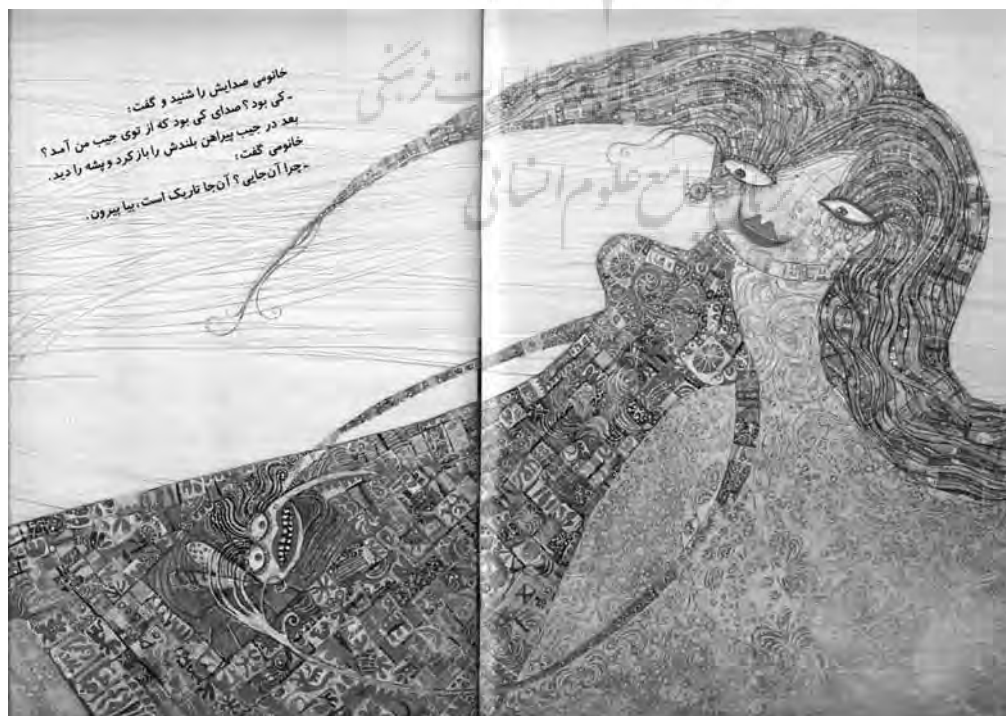
همان‌گونه که ذکر شد، ارتباط متن و تصاویر در این اثر ارتباطی خلاقانه، منطقی و زیباست. تصاویر در این کتاب، روایتگرند و عناصر ریز موجود در تصاویر، امکان جست‌وجو و برداشت متفاوت در لایه‌های عمیق‌تر را به خواننده می‌دهد. فضاسازی‌ها و ترکیب تصاویر پر انرژی و خلاق‌اند. از نکات مهم قابل ذکر در مورد تصاویر، آن است که به مخاطبان خود می‌آموزد به طبیعت و عناصر موجود در آن، به گونه‌ای خلاق و متفاوت بنگرد. مهم‌تر آن که تصاویر بعدی و بدیع و زیبا به تکنیک کلاژ بخشیده‌اند. تنها مشکل قابل ذکر در اثر، فونت نوشتاری مورد استفاده طراح است. این فونت، هر چند از نظر بصری در کنار تصاویر فضایی جذاب و سیال خلق کرده، خواندن آن برای برخی از مخاطبان، به خصوص کودکانی که تازه خواندن و نوشتن آموخته‌اند، دشوار خواهد بود.

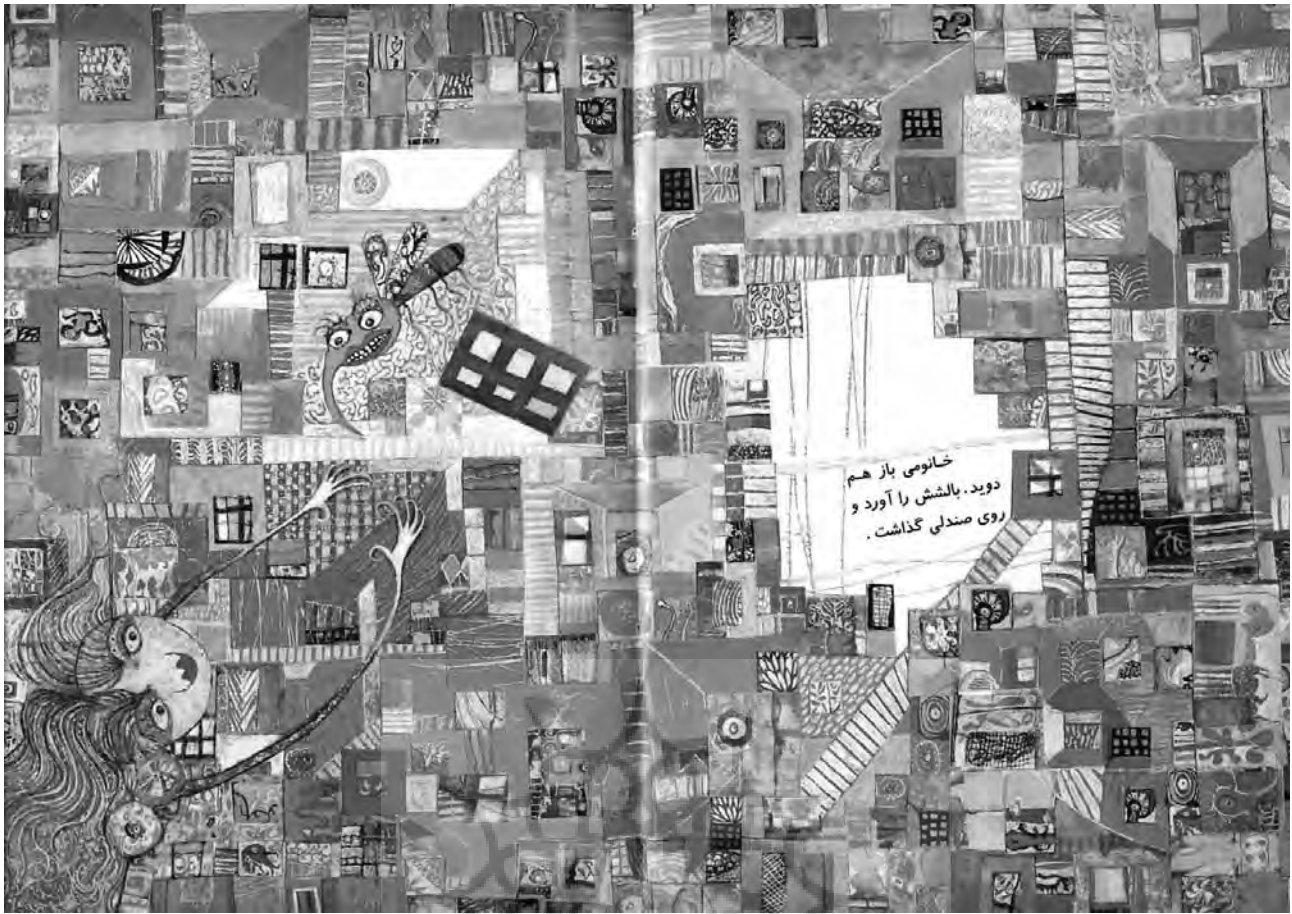
عنوان کتاب: قشنگ‌ترین جا
نویسنده: لاله جعفری
تصویرگر: صبا معصومیان
ناشر: شب‌ویز
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۳۲ صفحه
بها: ۱۴۰۰ تومان



«یکی بود، یکی نبود. یک پشه بود که می‌خواست به دنیا بیاید. او دلش می‌خواست در قشنگ‌ترین جا به دنیا بیاید، اما نمی‌دانست آن‌جا کجاست.» پشه کوچک در جیب لباس خانمی به دنیا می‌آید. او که هنوز جایی را ندیده، آن‌جا را قشنگ‌ترین جای دنیا می‌داند. تا این‌که از جیب لباس بیرون می‌آید و متوجه پنجره‌ای در نزدیکی سقف می‌شود. پشه با نزدیک شدن به پنجره، متوجه دنیای زیبا و هیجان‌انگیز بیرون اتاق می‌شود و از آن برای خانومی تعریف می‌کند...
 تصویرگر با استفاده از سطوح ریز به هم پیوسته و با رنگ‌های تند یکنواخت، اغلب صفحات کتاب را پر کرده است. در بیشتر صفحات رنگ‌های تند یکدست، خام و آزاردهنده باعث می‌شود مخاطب از نگاه کردن به این صفحات و رنگ‌ها دچار سردرگمی و گیجی شود. در اغلب مواقع، تصویرگران در روند تصویرگری یک متن، برخی شخصیت‌ها و عناصر موجود در داستان را برجسته می‌کنند. آن‌ها روی برخی شخصیت‌ها تمرکز بیشتری می‌کنند، روح حاکم بر متن را می‌پروراند و داده‌های مورد نیاز را در اختیار بیننده قرار می‌دهند. تصویرگران اصولاً تصویرهای خود را به گونه‌ای سامان می‌دهند که بیننده بتواند اصلی‌ترین عناصر را در یک تصویر شناسایی کند و توالی تصویری را پی‌گیرد و با شگردهای گوناگونی چون تغییر اندازه‌ها، ایجاد تضاد میان رنگ‌ها، نهادن مهم‌ترین عنصر در میانه تصویر، به کارگیری خط‌های قوی برای ایجاد توجه و تأکید بر ناهمسانی، نشان می‌دهند که چه چیزی در تصاویر مهم‌تر است. اما آن‌گونه که در تصاویر این کتاب ملاحظه می‌کنید، عناصر ریز و حاشیه‌ای بسیاری وجود دارند که ربطی به سیر اصلی داستان ندارند و این شلوغی بیش از اندازه تصاویر، باعث دشواری بیننده در بازشناسی شخصیت‌های محوری شده است.

در تصاویر این کتاب، به دلیل ریزنقشی و تنالیت‌های رنگی یکنواخت در همه عناصر، وزن هیچ عنصری از دیگری برتر نیست و همه عناصر از نظر بصری در یک سطح قرار دارند. این امر به روند داستان و توالی تصویری کتاب صدمه زده است و مخاطب گاه پس از جست‌وجویی زیاد، باید با گمانه زنی شخصیت توصیف شده در داستان را در میان عناصر تصویری بیابد. شخصیت‌ها در تصاویر چندان پرورنده نشده‌اند. ترکیب بندی تصاویر نیز تکراری و خسته کننده است. استفاده بیش از





حد و بدون توجه تصویرگر از ریز نقش‌ها در تمامی صفحات، باعث خستگی چشم می‌شود. چرا که به دلیل هم وزن بودن تمامی عناصر در ترکیب بندی‌ها، چشم بیننده نمی‌تواند روی نقطه‌ای خاص تمرکز کند و مدام از عنصری کوچک به سمت عنصری دیگر در حرکت است. این عناصر کوچک، شاید ابتدا شوق به جست‌وجو و یافتن را در بیننده ایجاد کنند، اما پس از تکرار بیش از اندازه ترکیب‌ها در تمامی صفحات، این شوق نیز جای خود را به کسالت خواهد داد.

یکی دیگر از نکات ضعف موجود در تصاویر، دفورم‌اسیون شدید و به دور از منطق در اندام‌ها، به خصوص در حالت دست‌ها یا چهره شخصیت‌هاست. این تغییرات در اندازه و فرم‌ها نه تنها زیبا نیست، بلکه حالت دهان و شکل انگشتان اضطراب آور است و امکان نزدیکی و همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستانی را از میان می‌برد. تصویرگر نتوانسته فضاهای متفاوت داخلی و خارجی موجود در متن را به درستی و متمایز از یکدیگر به تصویر کشد. در فضای داخل اتاق همان فرم‌ها، رنگ‌ها و ریزنقش‌هایی را می‌بینیم که در فضای خارج از اتاق و بیرون پنجره دیده می‌شود. در فضای تخیلی خارج از اتاق هم پرندگان حشره ماندنی تصویر شده‌اند که بافت رنگی و اشکال روی بدن‌شان، با پس‌زمینه و فضای داخل خانه یکی شده است. هیچ چیز متفاوت و هیجان برانگیزی در خارج از پنجره وجود ندارد. در کل کتاب، فضای بین واقعیت و دنیای قصه مخدوش است و به دلیل وجود عناصر بسیار و جزئیات فراوان، چشم بیننده مدام در فضای تصاویر سردرگم است.

تصاویر کتاب، یادآور نقاشی‌های گوستاو کلیمت اند (البته این تأثیر به دلیل عدم پرداخت مناسب، بیشتر به کاریکاتوری از آثار این نقاش بدل شده است). خطوط و خراش‌های عصبی و بی معنای موجود در پس‌زمینه‌ها، بیننده را عصبی کرده و نشان دهنده عدم توجه تصویرگر به مخاطب و متن داستان است. در صفحه‌ای که «خانومی» بالاخره موفق می‌شود از پنجره بیرون را ببیند، می‌خوانیم «تا که دید، سکوت کرد، سکوت و سکوت و سکوت. بعد صدایش مثل ابر، توی اتاق، آرام راه افتاد: آبی، آبی، چقدر آبی، همه چیز آبی است...» در تصویر هیچ سکوتی وجود ندارد. استفاده از خطوط و رنگ‌ها در تصویرگری، جنبه‌ای بیانی و روایی دارد و باید با روح کلی متن هماهنگ باشد. در این تصویر، «همه‌چیز» آبی نیست. سکوت هم نیست. رنگ پس‌زمینه بنفش است و خطوط خراشیده شده و عصبی روی آن، ذره‌ای حس سکوت را القا نمی‌کند. موجوداتی با دهان‌های باز و دندان‌های تهدید کننده، عناصر بی‌شمار بصری و خطوط، تنها آلودگی صوتی و فریاد را به بیننده القا می‌کند. تصویرگر حس و حال موجود در کلمات را نادیده گرفته است.

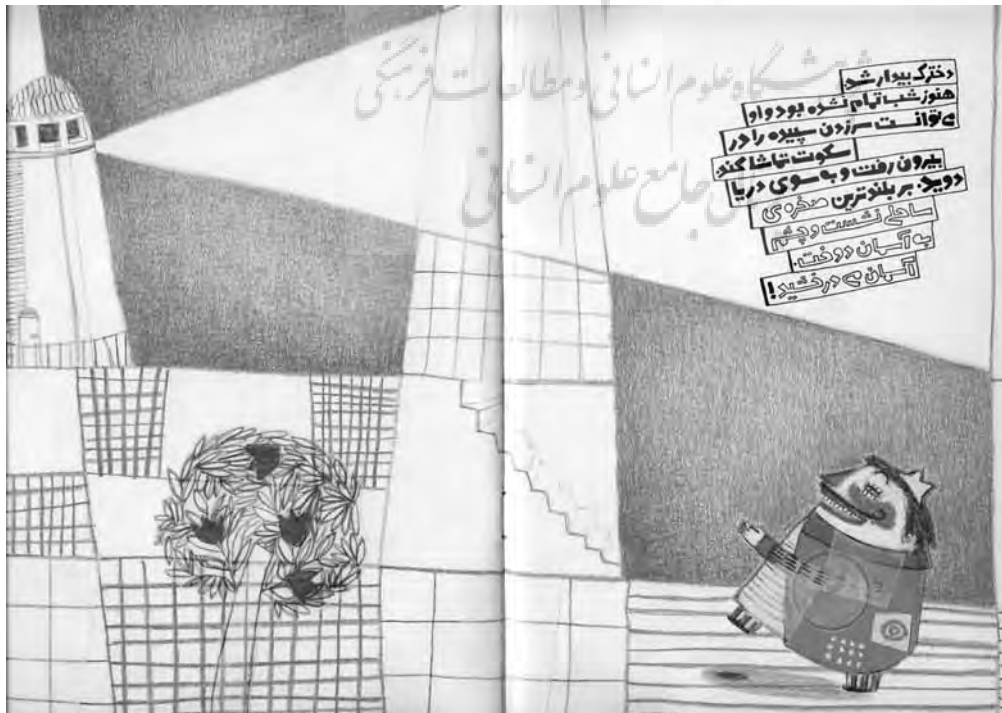


عنوان کتاب: هر چه بود
نویسنده: فریده خلعت‌بری
تصویرگر: افرا نوبهار
ناشر: شب‌ویز
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۳۲ صفحه
بها: ۲۲۰۰ تومان



دخترک شیئی از شب‌ها زمانی که به کنار دریا می‌رود تا سرزدن سپیده را تماشا کند، با دیدن نوری شدید از هوش می‌رود. پس از به هوش آمدن، پدر و مادرش و تمامی مردم شهر از او سراغ گنج را می‌گیرند و مدام برای افشای آن چه بشقاب پرند به او گفته، پا فشاری می‌کنند. با تمام این نامهربانی‌ها و ناملایمات، دخترک در دلش آرزو می‌کند تا همه مردم با هم مهربان شوند. نوری از سینه دختر بیرون رفته، ذره ذره وارد بدن تمامی مردم می‌شود. آرزوی دختر بر آورده می‌شود. متن کتاب ریتم و حرکتی منطقی ندارد. پی‌رنگ داستان دارای گسست‌هایی است که سؤالات بسیاری در ذهن ایجاد می‌کند؛ سوالاتی که در طول داستان به هیچ یک از آن‌ها پاسخ داده نمی‌شود. تصاویر نیز از بی‌منطقی و آشفتگی موجود در متن تبعیت می‌کند. ارتباط درست و منطقی میان متن و تصویر وجود ندارد. در کل تصاویر، به خصوص پرداخت شخصیت‌ها، تأثیر عمیق (اگر نگوییم کپی‌ای سطحی و بدون پشتوانه علمی) از تصاویر کتاب‌های کوتا پاکوفسکا دیده می‌شود. فضاسازی‌ها متنوع، اما کاملاً بی‌ارتباط با فضاهای داستانی و موجود در متن است. در تصاویر تلاشی برای شخصیت‌پردازی و متمایز کردن شخصیت‌های متفاوت داستانی رخ نداده است. همه شخصیت‌ها دارای چهره، اندام و حتی پوششی یکسان اند. رنگ‌ها و سبک انتخابی تصویرگر، هرچند ابتدا جذاب و متفاوت به نظر می‌آید، با خواندن متن جذابیت ابتدایی از میان می‌رود و جای خود را به کسالت می‌دهد. تصویرگر نیز چون نویسنده، فضایی بی‌منطق و سردرگم خلق کرده است. عناصری در تصاویر وجود دارد که نه تنها در متن به آن‌ها اشاره‌ای نشده، بلکه به پیشبرد داستان نیز کمکی نمی‌کنند و حضورشان تنها جنبه تزیینی دارد.

اگر در خوشبینانه‌ترین حالت، تصور کنیم که تصویرگر سعی داشته با تکرار چهره‌هایی شبیه هم، نشان دهد که تمامی بزرگانان فردیت خود را از دست داده، از دنیای تخیل دور شده‌اند و همه مانند هم تنها به دنبال گنج‌اند، اما این احتمال با شباهت تنها کودک داستان به سایر شخصیت‌ها و عدم تمایز او در رنگ، اندام و نوع پوشش از میان می‌رود. تمامی صفحات دارای یک ارزش بصری هستند و نقاط اوج و فرود داستانی در تصاویر دیده نمی‌شود.





انتخاب طراحی حروف برای متن و کتابی خاص و در کنار تصاویری متفاوت، امری دشوار است و باید از منطقی درست تبعیت کند. اصولاً تمامی عناصر موجود در تصاویر و به خصوص صفحه‌آرایی و فونت انتخابی، باید دارای توجیهی درست و قابل پذیرش باشد. استفاده از فونتی ناخوانا که خواننده بزرگسال را هم دچار مشکل می‌کند، چه برسد به کودکان گروه سنی «ب» که تازه خواندن و نوشتن آموخته‌اند، چه توجیهی می‌تواند داشته باشد جز تزیینی بودن آن و عدم توجه به گروه سنی مخاطب؟ قرار دادن نوشتار در کادرهای بسته، ابتدا خواننده را به فکر وامی‌دارد، به خصوص این که داخل برخی از حروف و کلمات نیز تیره شده‌اند، (امری که میل به کشف علت را در خواننده بیدار می‌کند). اما متأسفانه با دیدن چندبارۀ نوشتار و دقت بسیار در آن، منطقی برای این کادرها و حروف تیره آشکار نمی‌شود. منطقی در کار نیست. تصویرگر سعی در انتقال هیچ معنی و مفهوم خاصی نداشته و همه این انتخاب‌ها تزیینی و تنها برای پر کردن صفحات است.

یکی از روش‌های رایج هنرمندان، درانتقال حال و هوای کلی متن در کتاب‌های تصویری، ترکیب خط و رنگ است. در ارزیابی رنگ‌هایی که یک تصویرگر برمی‌گزیند، باید دید او تا چه اندازه توانسته از زبان رنگ‌ها برای کامل کردن حال و هوا، فضا سازی، شخصیت‌پردازی و درونمایه‌ای که نویسنده با واژه‌ها پروراندۀ است، سود جوید. در این بخش نیز تصویرگر نتوانسته از زبان و عنصر بصری، برای روایت درست داستان استفاده کند. رنگ‌ها در تمامی تصاویر، دارای یک مایه و فام رنگی اند؛ گویی تصویرگر تعداد محدودی رنگ در اختیار داشته که برای تصویر کردن کل کتاب از آن‌ها استفاده کرده است. خود انتخاب رنگ‌ها نیز بر حال و هوای آشفته و بی‌معنای تصاویر افزوده است. تصویرگر از رنگ‌ها برای خلق فضاهای متفاوت و بیان حس‌های موجود در متن سودی نجسته

است. در کنش‌های متفاوت موجود در متن، ما تفاوت دراماتیکی را در رنگ‌های مورد استفاده شاهد نیستیم. رنگ‌ها چندان حساب شده و بیانگر نیستند. آن‌ها نیز چون ترکیب بندی‌های مغشوش و کسل کننده، نه تنها متن را همراهی نمی‌کنند، بلکه سعی در روایت داستان نیز ندارند.

عنوان کتاب: کفشدوزک قرمز
نویسنده: کامبیز کااوند
تصویرگر: مرجان وفائیان
ناشر: شبوویز
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۳۴ صفحه
بها: ۳۵۰۰ تومان

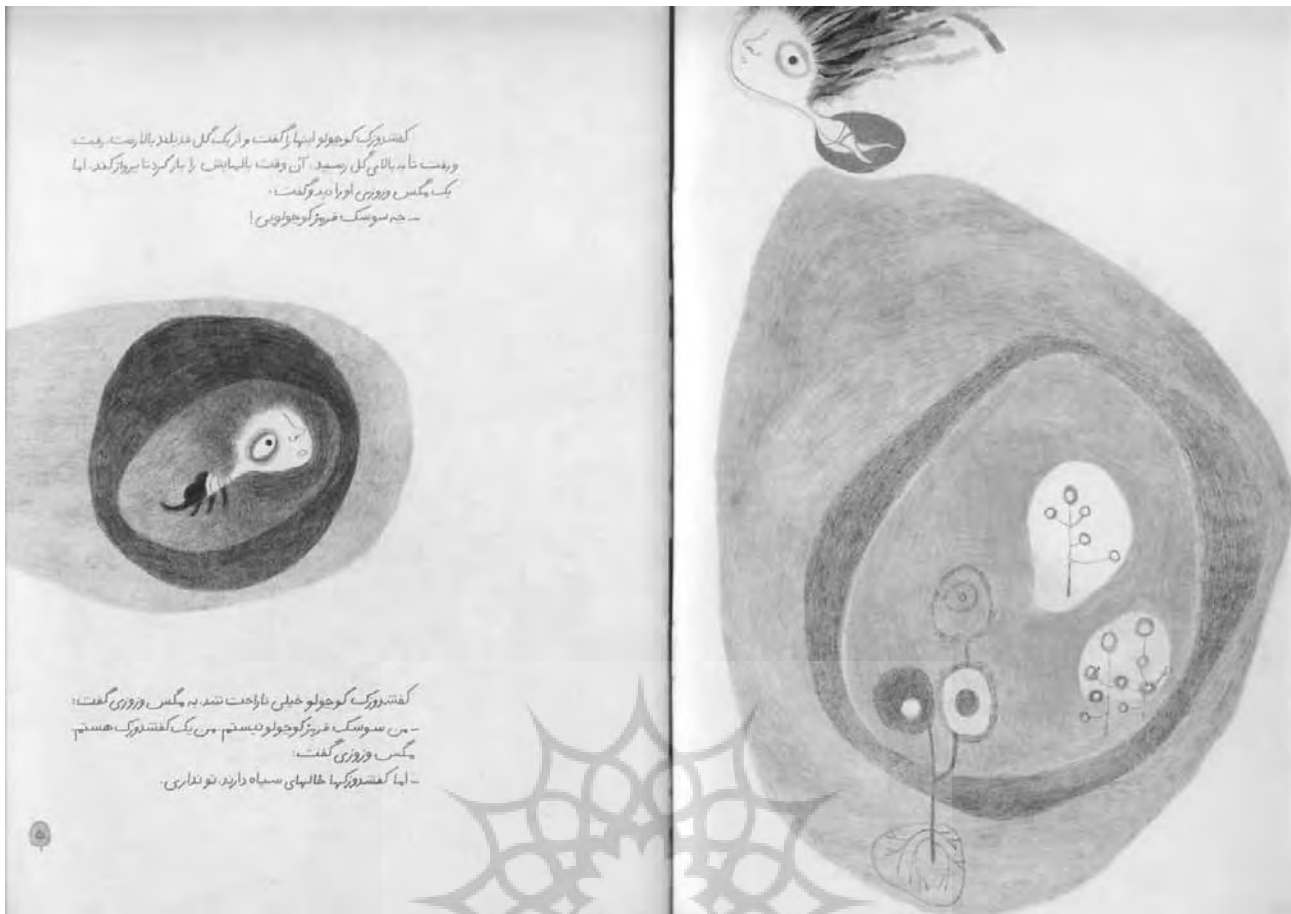


کفشدوزک قرمز با خود گفت «من یک کفشدوزک هستم. این خیلی مهم است. می توانم غذای خوشمزه بخورم و پرواز کنم. این خیلی خیلی مهم است.» کفشدوزک اینها را گفت و از گلی بالا رفت، اما کم کم در رویاروسی با سایر حشرات، با سوسک قرمز اشتباه گرفته شد؛ چون که روی بالهایش خالهای سیاهی را که همه کفشدوزکها دارند، نداشت. کفشدوزک سعی کرد راهی بیابد و این نقیصه را بر طرف کند و خالهای سیاه برای خود بیابد. او به دیدن پروانه نقاش و جیرجیرک عینکی رفت و هرکدام از آنها راه حلی برای رفع مشکلش پیدا کردند، اما تمامی راه حلها بی نتیجه ماند و کفشدوزک، سرانجام به این نتیجه رسید که هیچ چیز بیش از پرواز کردن و زندگی آزاد، هر چند با نقص عضوی کوچک، لذت بخش نیست.

داستان به زیبایی به موضوع تفاوت ظاهری، نقص عضو و هویت یابی پرداخته است. متن کتاب و روند شکل گیری داستان، کاملاً شخصیت-محور است، اما در تصویر کتاب، نکته ضعف اصلی شخصیت پردازی است. ویژگی شخصیتها در کتابهای تصویری، گیرایی و تناسب آنها با قالب کوتاه داستان است. از آنجا که در قالبهای داستانی کوتاه شخصیتها و حسهایشان نمی توانند به طور کامل پرورانده شوند، نشان دادن و وضوح بخشی بیشتر آنها بر عهده تصاویر است. شخصیتهای کتابهای تصویری داستانی، باید در وضعیتی قرار گیرند و احساسهایی را تجربه کنند که برای مخاطبان به سرعت قابل شناسایی و باور پذیر باشد.

در شخصیت پردازی حشرات و عناصر داستانی این کتاب، ضعفهایی بنیادین دیده می شود. خصوصیات اصلی ذکر شده و حالات روحی شخصیتها، در تصاویر دیده نمی شود. کفشدوزک که شخصیت اصلی کتاب است و داستان حول محور او می گردد، موجودی است با سری بزرگ، بدنی بسیار کوچک بدون دست و یک چشم. در روند شکل گیری داستان و نقاط اوج و فرود آن، شخصیت اصلی چهره و حالتی ثابت دارد و هیچ حسی را به مخاطب منتقل نمی کند. کفشدوزک در اصل یک تصویر است که با کمی تغییر در باز یا بسته بودن دهان یا چپ و راست بودن جهت قرارگیری، در اغلب صفحات





تکرار شده است. تصویرگر حتی اندازه شخصیت اصلی داستان را بنا به ضرورت متن تغییر نداده است. یک تصویر عیناً با یک اندازه و یک فرم بصری، در تمامی صفحات دیده می‌شود؛ تصویری که هیچ ربط و شباهتی به فیزیک یا عناصر متمایز کننده کفشدوزک از سایر حشرات ندارد. از آن بدتر، تصاویر سایر حشرات است. نویسنده قطعاً با نام بردن حشرات متفاوتی چون «مگس وزوزی، جیرجیرک عینکی، زنبور زرد وزوزی، زنجره و سنجاقک» هدفی را دنبال می‌کرده است، اما در تصاویر کتاب، هیچ هدفی مگر نشان دادن موجوداتی عجیب‌الخلقه و شبیه هم دنبال نشده است. بر تفاوت‌های ظاهری و ساختاری این حشرات تأکیدی نشده و همه موجوداتی بیمار با سرهایی بزرگ و یک چشم ترسیم شده‌اند. شناسایی یکی از این موجودات، به عنوان زنبور زرد وزوزی یا سنجاقک، برای مخاطب بزرگسال محال است، چه برسد به کودک.

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، بسیاری از کتاب‌هایی که برای رشد شناختی کودک پیشنهاد می‌شوند، کتاب‌های تصویری-مفهومی‌اند. این کتاب‌ها با تکیه بر تصویر، کودکان را در درک مفاهیم متفاوت کمک می‌کنند و به همین سبب، بنا به نیاز و توانایی گروه‌های سنی متفاوت، خلق می‌شوند و دارای درجه‌های مختلفی از دشواری و آسانی هستند. این دسته آثار می‌توانند مفاهیم ساده‌ای چون رنگ، فرم یا تضاد را انتقال دهند. هم چنین، می‌توانند مفاهیم پیچیده‌تری چون فصل‌های سال، گیاهان، حیوانات و چرخه حیات را نشان دهند یا آن‌که مفاهیم مجردتری را که درک آن برای کودکان دشوارتر است، دستمایه کار قرار دهند، مفاهیمی چون هویت فردی، تغییر و معلولیت.

نویسنده به زیبایی، نقص عضو کفشدوزکی قرمز را دستمایه خلق داستانی درباره معلولیت کرده است. این گونه داستان‌ها در ادبیات کودک ایران، بسیار کم و حضورشان ارزشمند است. داستان به زیبایی پیش می‌رود و عاقبت، نه تنها مشکل کفشدوزک قرمز معجزه‌وار حل نمی‌شود، بلکه او در می‌یابد به‌جای غصه خوردن بر کمبودها، می‌تواند با تکیه بر توانایی‌هایش زندگی بهتری داشته باشد. با این حال، چهره زیبا و امیدوارکننده‌ای از معلولیت در تصاویر دیده نمی‌شود. شخصیت‌های یک چشم کتاب، بیشتر موجودات بیمار و کرپه‌ی هستند که امکان هر نوع همذات‌پنداری را از مخاطب می‌گیرند. تصاویر ذره‌ای حال و هوای موجود در متن را نشان نمی‌دهند.

هر چند فضا سازی‌های موجود در تصاویر، خلاف شخصیت پردازی‌ها خلاقانه و متنوع‌اند، ارتباط چندانی با متن ندارند و بیشتر کارکردی زینتی دارند. تصویرگر از رنگ‌های محدود، با تالیته خاکستری متنوع، در کار استفاده کرده است. او با



کنار هم قرار دادن فرم‌های ساده و استرلیزه شده گیاهی، فضای طبیعت را به زیبایی بازنمایی می‌کند. تضاد فضای خلوت و شلوغ در کنار هم، توانسته ترکیب بندی‌های متنوعی در تصاویر ایجاد کند و جزئیات موجود در تصاویر، امکان جست‌وجو را برای مخاطب فراهم آورده‌اند. اما چون تکیه اصلی متن روی شخصیت‌هاست و اصولاً داستان شخصیت-محور است، شخصیت‌سازی نامناسب کتاب، فضا سازی‌های زیبای آن را نیز تحت تاثیر قرار داده و از ارزش آن کاسته است. با خواندن متن، مخاطب به این نتیجه می‌رسد که تصویرگر آن قدر درگیر فضا سازی شده که از متن و مخاطب به کلی غافل مانده است.

منبع:

*با تشکر از دوستان و همکاران گروه بررسی تصویر شورای کتاب کودک (نظرها و تحلیل‌های گروه در مورد کتاب‌ها، مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است).

نورتون، دونا و نورتون، ساندر (۱۳۸۲)، شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک، ترجمه منصوره راعی... [و دیگران]، موسسه فرهنگی هنری خانه ترجمه کودکان و نوجوانان، تهران: قلمرو قاسم زاده، فاطمه؛ «ضرورت آشنایی با روان‌شناسی رشد در ادبیات کودکان»، روشنان، دفتر سوم (بهار ۱۳۸۵): ۶-

۱۳

Golden, J.M. (1990) The Narrative symbol in childhood literature: Explorations in the construction of text, Berlin: Mouton de Gruyter.

Nodelman, P. (1988) Words About Pictures, The Narrative Art of Children's Picture Books, The University of Georgia Press.

پی‌نوشت:

1. Toy books
2. Alphabet books
3. Counting books
4. concept books
5. Wordless books
6. Joanne Golden